

اگر برای محر و مین کار نکنید انقلاب اصلش بخطر می افتد

بسم الله الرحمن الرحيم

من قبل از اینکه به سئوالات جواب دهم نکاتی را باید عرض کنم خوب میدانید که به سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و داسراهای انقلاب حمله کردن نشانه روشنفکری است توی جامعه ما و این نهادها از دو سو چوب میخورند یکی از طرف روشنفکرها، یکی هم از طرف کسانی که با فعالیت این نهادها ضررها یا مشکلاتی می بینند یک مقدار هم گاهی عزیزانی ما توی نهادها بهانه بدست میدهند کارهایی می کنند که آنها بتوانند به اینها حمله کنند بگویند اینها اصلا خودسرنند، نظم پذیر نیستند، اصلا به این دلیل توجهاوند که میخواهند نظم نداشته باشند! گروهها آمده اند توی این نهادها لانه کرده اند! صاحبان اندیشه های التقاطی توی این نهادها لانه کرده اند!

عرض میشود که یک چیزیش میشد برای



شما را به دو چیز توصیه می کنیم یکی اینکه روابط و موضعتان را با دولت و مجلس خیلی زنده و فعال و خلاق نگه دارید و دیگر روی بعضی چیزها عجله نکنید چیزهایی که به هر حال امروز نمی شود ممکن است فردا بشود.

بگویم بلکه گاهی هم برادران و خواهران، آنهاهی که در جهاد و سپاه هستند کارهایی میکنند که مجوز ندارد، اما یک چیز دیگری هم هست و آن کارهایی که باید بشود اما نه امروز، منتها برادر و خواهرها می خواهند که کار فردا را امروز انجام بدهند.

«و محنتی الشمره بغير وقت ایناعها كالزارع بغير ارضه» که (علی (ع) آن مرد انقلابی صریح و سخت سر میفرماید که: اگر آدم حواست میوه را قبل از رسیدنش بچیند مثل این است که برای دیگران اینکار را انجام داده باشد.

اما من می خواهم به شما برادرها و خواهره مطلبی را بگویم و آن این است که نمی شود جهاد را اینجوری بکوبند چون نمی دانم که شما چقدر توی جریان هستید در این ابان گذشته، همان جهاد

من که روی عشق به این نهاد، مسئولیت این را آن موقع که شورای انقلاب مسئولیت قبول کرد، پذیرفته بودم، کلی دردسر برایم بود. و گرفتاریم زیاد بود نمی توانستم برسم، واقعا برایم مسائل مبهم بود، نه می توانستم «نه» بگویم و نه میتوانستم آری بگویم، اما از این دوره های زجر ورنج فراوان داشته ایم، توی ده، بیست ساله اخیر، بخصوص از سال ۴۱ که در این ۱۸ سال اخیر همیشه گرفتار بودیم پر مشغله بودیم و نتوانستیم به یک جاهای دقیق برسیم و مشکلاتی در زمان رژیم بود که کارها غالبا باید مخفی انجام میشد این دو سال هم که دیگر این حرفها نبود، مخفی کاری نداشتیم، اما پر مشغله بود. ولی خوب یک مواردی را اجمالاً وقتی گزارش میدادند میدیدم که همچنین نیست که من هم نه

مقدمه:

امام خمینی در ترسیم ویژگیهای افراد و شخصیتهای انقلاب و یاران و دوستان و شاگردان خود تبحری بس شگرف و عمیق دارند.

وقتی عالمی، مجاهدی و پاکرعی از یاران امام کشته و شهید می گشت هر کسی و گروهی در بیان شخصیت او چیزی میگفت و می نوشت، اما وقتی پیام و سخن امام میآمد رایحه ای دیگر داشت و توصیفات امام از اشخاص چنان دقیق و عمیق بود که همکارا به حیرت و شگفتی و امیدداشت.

برای آیت الله طالقانی همه و همه اشخاص گروهها و سازمانها چیزها گفتند و نوشتند اما هیچکدام نتوانست به زیبایی و دقت کلام امام لورا تصویر کند که «او باوقر بوده و دربارہ شهدای دیگر نیز»

وقتی شهید بهشتی و ۷۷ تن از یارانش در آتش کینه نفاق سوختند خیلی ها برای شهید بهشتی شعرها سرودند و مرثیه ها خواندند و مقاله ها نوشتند اما هیچکس به عمق و درستی و عظمت کلام امام سخن نگفت که «بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرده»

اگر دیگر یاران امام و شخصیتهای انقلاب آماج تهمت و کینه چپه متحد ضد انقلاب بودند، بهشتی در میان دوستان انقلاب نیز مظلوم و غریب بود اگر دیگران را ساواکیها و سرمایه داران و چپ های آمریکایی و منافقین بیاد فحش و ناسزا میکردند، درباره بهشتی دوستاش اگر بد نمی گفتند لافل دفاع نمیکردند و... چپه متحد ضد انقلاب بهشتی را به گونه ای جلوه داده بود که گویا «طرفدار سرمایه داران است» «حامی فتوالمهاست». سازشکار است، لیبرال است. «مخالف نهادهای انقلابی است» و اصلا بهشتی... است!

و او بدور از این همه دروغ و کینه و تهمت، بی آنکه وقت خود را صرف دفاع از خود کند، صادقانه بخدمت ادامه میداد و درست در روابطی عمل میکرد و بفتح جریانی که بمخالفت با آنها متهم بود.

یادم میاید روزی با یکی از دوستان که از یاران و مدافعان انقلاب هم بود درباره ایشان بحث میکردیم. وقتی من از دیدگاهها و موضو مگوییهای آیت الله بهشتی در مسائل اقتصادی و در رابطه با حل مسائل معرومین صحبت میکردم. او باتعجب می گفت اگر اینجورست که تو میگویی خب ما هم همین را میگوئیم پس...!

و این سرنوشت تنها خاص آقای بهشتی نبود، امام علی هم چنین بود. وقتی او را در مسجد کوفه شهید می کنند جمعی می پرسند مگر علی هم نماز میخواند؟! بهر حال سخن از مقدمه فراتر رفت. آنچه که در زیر میخوانید قسمتی از سخنان آیت اله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی است که در دیدار با اعضای جهاد سازندگی ایراد نموده اند.

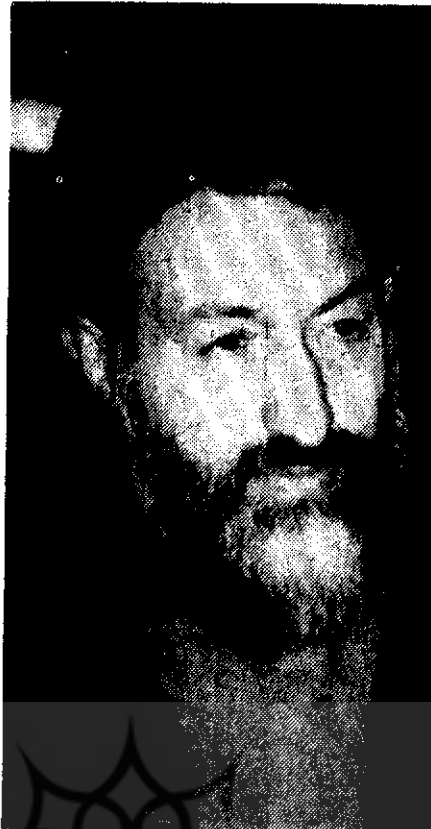
اگر چه شهادت مظلومانه بهشتی و یارانش همه ابرهای تیره دروغ را از هم درید و چهره راستی را نمایان کرد. و خون سرخ او بهترین گواه صدق و راستی اش، با اینحال این گفتار نیز می تواند مدرک زنده و گویایی باشد بر آنچه که بهشتی بیای آن رنج می کشید و می سوخت و بمخالفت با آنها متهم بود!

موقعی که آقای رجانی سرکار آمدند، مقاومتها و پرخاشهایی که من گاهی در جلسات شورای انقلاب داشتم کمک موثری بود به این که جهاد بماند والا میدانید که بودجه تان را می خواستند قطع کنند، می گفتند بودجه اینها را قطع کنید. البته همان کسانی می خواستند بودجه را قطع کنند که شما خیلی برایشان پادونی کرده بودید. تلاشها و کوششهایی میکردند و دلیل می آوردند و کسانی هم می گفتند که اینها باید بودجه شان قطع شود که من تعجب میکردم، اینها برادرهائی بودند که سالها زندان انقلاب را کشیده بودند. حالا بطور توجه ندارند که این جهاد یک نهاد انقلاب برای اداره جامعه است و بعد از انقلاب باید یک نهاد انقلابی کار بکند. ولی خوب ما به هر حال چشم بسته به حساب اینکه کل جهاد یک نهاد پیشرو و اسلامی است محکم ایستاده بودیم، برادرهای دیگر ما هم ایستاده بودند البته به شما بگویم که گاهی برادرهای خود من هم به من انتقاد میکردند و حتی سربیک جاهائی بالاخره من نراقبیت قرار گرفتم و یعنی برادرها هم فکر دیگر هم رای به آن چیزی که من رای دادم، ندادند. اما من براین عقیده و باور بودم که باید از این نهاد حمایت بشود تا یک فکری برایش پیدا شود.

الان دولت آقای رجانی سرکاره و برادرهائی که توی این دولت هستند با شما خوبند و همشون همفکرند، همشان یارهمدیگر و مزاحم کار شما هستند من امید فراوان دارم که اینها بتوانند با همکاری شماها خیلی کار بکنند و شما هم با همکاری آنها خیلی کار بکنید.

شما را به دو چیز توصیه می کنم یکی اینکه روابط و مواضعتان را با دولت و مجلس خیلی بنده و فعال و خلاق نگه دارید و دیگر اینکه روی بعضی چیزها عجله نکنید، چیزهائی که به نرحال امروز نمی شد ممکنه فردا بشه، از این راه می شه ممکنه از راه دیگه بشه. دراین مسئله صاحب زمین شدن کشاورزان شما می دانید که این رای من بود این دیگر خیلی روشن بود و ما فیلی جاها پایش و ایستادیم و چوبها برای آقای منتظری و آقای مشکینی و بنده خیلی بلند شد اما ما ایستادیم و بالاخره کار به آنجا رسید که امام م به این نتیجه رسیدند که فعلا باید بند «ج» و «د» متوقف بشود، دیگر بعد از آن اگر شنیده شود که برادرها و حواریها در جهاد یا درسپاه از این تارها می کنند، دیگر آنوقت خیلی آسیب می بینم چون دیگر معلوم می شود که مارهری و رهروی داریم، کما اینکه دیدید آقای منتظری و مشکینی مداز آنکه امام گفتند نه، نه به خاطر اینکه صرفا ما را دوست دارند و یا به او احترام می گذارند، به پیش از این بعنوان یک اصل عقیدتی که اگر صل ولایت فقیه درست است الان ولی فقیه می نوید که جمع بندی من این است که حالا نه و

نهاد



دغدغه پیش بیاید جدا آز رده خاطر می شوم برای اینکه ما توی این راه سنگلاخ پر پیچ و خم و پر نشیب و فراز انقلاب حالا حالاها باید برویم و اگر بخواید با این چیزها متزلزل بشویم و دچار وسواس گردیم بیچاره می شویم اصلا ما حالا حالاها باید راه برویم و حرکت کنیم و اینجا توی سپاه به برادران عرض کردم که روحیه من حالا با دی ماه ۲ سال قبل که هنوز شاه نرفته بود هیچ فرقی نکرده و من خودم را الان توی همان شرایط می بینم یعنی می دانم که جاده انقلاب پر سنگلاخ است.

پیچ و خم داره، پرت شدن، شهید شدن، رنج کشیدن داره، منتها هر زمان به یک شکلی است و استدعای من این است که برادرها و خواهرها با یک همچنین روحیه ای این حرکت را ادامه بدهید و قاطع عمل کنید و ضعف نفس نشان ندهید متکی به همین قانون اساسی مبتنی به رهبری فقیه جامع الشرایط باشید و ملتزم به آن باشید و بدانید که خیلی چیزها را به یاری خدا توی این مسیر حل خواهید کرد.

یکی از کارهائی که ما از قدیم به آن معتقد

من به شما میگویم که تا زنده ام تحمل نخواهم کرد نظامی را که در آن انسانهای بسیار کم درآمد در کنار انسانهای پردرآمد زندگی کنند، من این را تحمل نخواهم کرد.

همان کسی که جمع بندی اش شاه را از مملکت بیرون کرده، بگوید نه و ما عمل نکنیم این دیگر جفا به نظام، متزلزل کردن نظام جمهوری اسلامی است.

استدعای من این است که برادران و خواهران ملتزم به یک نظمی باشید و بعد از التزام به نظم بهتر می توانیم مسائل را حل کنیم دلسرد هم نشوید. گهگاهی حالا من توی ذهنم این نگرانی پیدا می شود که این جوانهای عزیز ما که به عشق اسلام و برضد فئودالیسم و ضد کاپیتالیسم رنجها بردند و تلاشها کردند، نکند توی ذهنشان این بیاید که ای بابا، این گروههای التقاطی انگار بد هم نمی گویند که این نظام بالاخره سر از بورژوازی در میاره! که اگر این وسوسه ها در ذهن شما پیش بیاید من رنجیده خاطر می شوم برای اینکه این حرفها چیست، ما سفت و محکم جلوی این نوع انحراف می ایستیم. همه مان می ایستیم مگر می گذاریم همچون چیزی بشود، یک چیزی حالا از این راه نشد به یک شکل صحیح تری ما کشاورز را صاحب زمین خواهیم کرد حالا آن هم انشاء... و قتش فرا می رسد و برایش راههائی داریم. حال اگر با دو تا از این چیزها در ذهن شما برادرها و خواهرهائی که با شما همفکری می کنند تزلزل و

بودیم و تا حدودی که کردیم هم خیلی اثر داشت این است که پویائی فقاقت و اجتهاد را به جای اینکه از طریق خودمان بیندیشیم و خودمان توی مسائل فقهی، این جا و آنجا کار کنیم و بعد نتوانیم آنرا به مرحله عمل درآوریم، همین پویائی را بیریش تو سطح فقاقت عمومی یعنی اثر بگذاریم روی حوزه ها و اثر بگذاریم روی شوراهای فتوا و این میسر است و وقتی این کار را بکنیم میدانید که محکمتر است برای اینکه دیگر یک قشر وسیع پشت کار می ایستند، شما می بینید در ۵ سال قبل، من حتی نمی گویم خیلی طولانی، آیا کسی باورش می آمد که مادر یک زمانی باشیم که زن از نظر نقش سیاسی و مبارزاتی نقش زن امروز ما را داشته باشد و به او بگویند توی خیابان بنا، جبهه برو، چنین کن، چنان کن، آیا کسی ۵ سال قبل باورش میامد که این بعنوان فتوای رایج عمل بشود؟ و الان چقدر جالبه که می بینید به جای اینکه ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تا دانشجوی روشنفکر این کار را بکند می بینید خیل زنان، میلیونها زن به میدان می آیند.

به نظر شما کدام بهتره؟ اولی یا دومی، ۲ هزار تا بعنوان روشنفکر مذهبی به میدان بیایند

بقیه در صفحه ۱۵

او فرزند اسلام،.....

نباشد مساجد بسته باشد و باتمام قواسمی میکرد که اسلام را از بین ببرد، پدر مبارزاتش را آغاز کرد، باآنکه بسیار جوان بود، گهگاهی بجای پدرشان درمسجد باقرخان شیراز نماز می خواند ایشان اصرار زیادی داشتند که ولو نیم ساعت هم که شد پس از نماز سخنرانی کند، اکثر اوقات هم روی منبر نمی رفت و روی زمین می نشست تا اگر مامورین شاه آمدند و گفتند تو ممنوع منبر هستی، جواب دهد که من منبر نرفته ام، جلسه ای خصوصی بوده است و نشسته ام، همچنین ایشان عنایت خاصی داشتند که مجالس تبلیغی ترک نشود و بخصوص خانمها را دعوت میکرد تا پشت پرده بنشینند برای آنان سخنرانی کند چون در آن زمان خراب کردن دیانت و حجاب زنها بسیار زیاد شده بود.

مبارزات علنی و رسمی ایشان نیز از سال ۴۱ شروع شد درست همان زمانیکه مسأله انجمنهای ایالتی و ولایتی مطرح شده بود و دولت اعلم سعی داشت قرآن را از متن قسمنامه حذف کند.

و بی حجابی زنان نیز بسیار مورد توجه رژیم و دولت اعلم قرار گرفته بود که امام خمینی در قم و ایشان نیز در شیراز شروع به مبارزه با این مسأله کردند پدرم اول به منزل علمای شیراز رفتند و از آنها تقاضای کمک کردند که بیایند و همکاری کنیم، شما به من کمک کنید و منم سپر خواهم شد، که بدنبال این صحبت ها جلسات منظم شبهای جمعه بر پا شد و که جلسات هم تظاهرات مبارزات ۱۵ خرداد ۴۲ را در شیراز بوجود آورد در واقعه آن روز ایشان بطور فعال شرکت داشتند و بعد از آن جریان دستگیر شدند و یکی از نزدیکان ایشان در آن جریان شهید و منم

بشدت زخمی شدم و بجرم همکاری با پدر و مبارزه علیه رژیم ما را دستگیر کردند و به زندان و از آنجا به تبعید بردند. بعد از آزادی از زندان، رژیم بسیار سعی کرد که ایشان را به دستگاه متمایل کنند، اما ایشان هر بار به آنها جواب رد میداد و حتی یکبار هم شاه کسی را خدمت ایشان فرستاده بودند، که من به ایشان قول هر گونه کمک از نظر مادی و امکانات داده بود، که پدرم به دستگاه کمک کند، اما پدرم جواب داده بود نه طالب مال هستم و نه طالب مرجعیت مگر چقدر از عمرم باقی مانده است که من اینکارها را بکنم، اگر خدا بخواهد که علم دین را بلند کند، بلند خواهد کرد اصراری هست که من خود را زحمت بدهم» خلاصه با یک بیانی از انجام اینکار خودداری میکرد. یکبار هم استاندار فارس از ایشان اجازه ملاقات خواستند که پدرم این اجازه را ندادند و این موضوع باعث تبعید دوباره ایشان شد. در زمان جشن هنرهای شیراز هم ایشان خیلی صریح نسبت به برگزاری این جشنها اعتراض میکرد و حتی بعد از آن برنامه زشت در برنامه جشن و هنر ایشان دیگر بطور قاطع به استاندار اخطار کرد که اگر این برنامه را قطع نکنید، ما خرد اقدام خواهیم کرد و اگر خردمان اقدام کردیم نیاید و بگویند که شویش کردید و آشوب... یا ترک کنید و یا اینکه ما خردمان جلوی شما را خواهیم گرفت. مردم منتظر جهاد هستند» که البته بعد از این جریان دیگر برنامه های جشن و هنر قطع شد...

تهذیب نفوس از دوران جوانی

سید هاشم دستغیب با اشاره به زندگی پدرش ادامه میدهد: «ایشان چون از سن طفولیت یتیم

شد، از همان زمان با انواع مشکلات روبرو بود از همان کودکی نزد حاج غلامعلی تنباکو فروش درس می خواند و حاج تنباکو فروش نیز راهنمایی های را به ایشان میکرد و می گفت این پسر آینده اش درخشان است. آیت الله دستغیب بخوبی درک کرده بودند که اگر علم با اخلاص همراه نباشد، مضر برای خود و جامعه خواهد بود عالم اگر فاسد علم نداشته باشد بهتر است و با توجه به همین مسأله بود که ایشان از همان دوران جوانی به خود سازی پرداخت و حتی کوچکترین اعمال مستحبی را از یاد نمی برد، بعنوان مثال از گوشت خوردن زیاد خودداری میکرد، و یا به خوردن نان جو و عدس علاقه زیادی نشان میداد. هیچگاه خود نمائی نمی کرد ایشان جمله ای معروف داشتند که همیشه نیز به دیگران اترا نصیحت میکرد که «هیچگاه خودتان را جلو نیندازید. اما اگر جلویتان انداختند و اگر مسئولیت اقتضا کرد که یک باری را بردارید، از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنید»

شخصیت ایشان دارای جنبه های گوناگون و ابعاد متنوع است که خطبه های هر هفته ایشان در نمازهای جمعه نشانگر این موضوع ایشان در بیشتر مواقع در خطبه ها به مرکزیت حکومت و ولایت فقیه تاکید می کرد و می گفت «اگر می خواهید احکام اسلامی اجرا شود راهش تمرکز رهبریت است و همواره نیز خطر گروهکها و وابستگی آنها را به شرق و غرب ابراز میکرد و همیشه می گفت: «همانطور که گروهکها جنایت خود را بیشتر می کنند شما هم منسجم تر باشید» در آینده ما نیز در نظر داریم که نوشته ها و کتابهای ایشان را تنظیم بچاپ برسانیم تا ابعاد شخصیت ایشان بیشتر مشخص شود.

اگر برای محرومین.....

بهره یا ۲ میلیون، ۳ میلیون بعنوان توده زنان مسلمان، کدام موثرتر و کدام سازنده تر و پیش برنده تر و دشمن شکن تر و کدام یاری دوست را بهتر میدهد، که این تجربه ای باشد برای همه

چیزها و شما انشاء... و به یاری خدا توی خط بمانید و توی راه بمانید، دقیق باشید، ملزم باشید به حدود... و حافظ حدود... باشید. روی همین خط یاری خدا حرکت خواهیم کرد و من هیچ نگرانی ندارم و به عنوان یک برادر به شما صریح میگویم که اگر ما همین راه را با هم برویم، پیروزی بسیار چشمگیری آفرش است.

رستگاری را در یک اطاق قرار دادند و درس را بستند و کلیدش را صدق و راستی قرار دادند.

من به شما بگویم توی این جماعت (جهاد و سپاه) مجموعاً سطح صدق را بالاتر می یابم، نمی گویم صادق مطلقند ولی میگویم سطح صدق بالا است که اینها همان جماعتی هستند که توی خط امام حرکت می کنند.

و توی جماعت های دیگر سیاسی کاری و دوز و کلک را هم در سطح بالا یافته ام ما حالا حرف نمی زنیم انشاء... وقتی که زبانمان باز شد مشاهدات این ۲ ساله مان را مخصوصاً این ۲ سال را برای مردم باز گفتیم آن وقت خیلی روشن می شود بنابراین از همه شما دعوت می کنم در

بقیه در صفحه ۶۹

جهادگران بیرجند...

«میتائینها» از جمله محلول های مشابه این محلول بخور است. خواص درمانی آن بخور و ضد عفونی کننده مجاری تنفسی است و در مواردی که برای ضد عفونی مجاری تنفسی در بیماری های ریوی و کمک به درمان گریپ و سرماخوردگی و گرفتگی و احتقاق بینی استفاده میشود قیمت آن برای مؤسسات غیرانتفاعی در شیشه های ۴۵ میلی لیتری ۱۵ ریال و مؤسسات انتفاعی ۲۵ ریال است.

۷- قطره گوشی گلگیرین فیکه که برای عفونتهای گوشی و التهابات گوش میانی و کودک و زخمهای داخلی، مجاری گوش خارجی مورد استفاده قرار می گیرد. این محلول را به هیچ وجه نمیشود با آب رقیق نمود چون سوزش آور است. این قطره در دو مقیاس ۱۵ گرمی و ۲۵۰ گرمی میباشد. برای مقیاس ۱۵ گرمی آن از ویالهای خالی پنی سیلین استفاده میشود که با اعلام به تزریقاتی های شهر و جمع آوری ویالهای خالی، شیشه این قطره ها تامین میگردد و در ضمن از تلف شدن شیشه ها جلوگیری میشود.

قیمت گذاری داروها

برای هر نوع دارو دو نوع قیمت وجود دارد یکی قیمت انتفاعی که این قیمت برای غرضه دارو در بازار است و دیگری قیمت غیرانتفاعی است که همان قیمت تمام شده برای جهاد سازندگی و برای نهادهای انقلابی و مؤسسات غیرانتفاعی مثل بیمارستان های عمومی میباشد

دکتر علی اکبر صمدیان سازنده داروها در مورد مسائل و مشکلات واحد داروسازی جهاد سازندگی بیرجند چنین میگوید: «پس از ساختن دارو و در این واحد نوشتن نامه و فرستادن دفترچه به جهادهای تمام شهرهای استان خراسان و سیستان و بلوچستان آمادگی خود را برای فروش دارو به آنها اعلام کردیم اما این کار به علت نداشتن نظارتی با آنها، مشکل بودن ارسال دارو برای آنها با مسائل و مشکلات زیادی روبرو شد که بعدا با صحبت با جهاد مرکزی مشهد قرار شد داروهای استان خراسان را تحویل گرفته به وسیله پشتیبانی ها در جهادهای این استان بخش نماید ولی توزیع در استان سیستان و بلوچستان همچنان به شکل سابق میباشد و فعلا با سیستان مکاتبه داریم. همچنین با ۶۴ مرکز جهاد سازندگی در شهرهای بزرگ تماس گرفتیم و آمادگی خود را برای ارسال فرمول و طرح به سلامت دارو اعلام کردیم ولی از این

این گرمسار و یک شهر دیگری که فاقد امکانات بودند به ما جواب مثبت دادند که با اطلاعات برای آنها بفرستیم که به پرسنل داشتند و نه امکانات داروسازی، اما شهرهایی که امکانات داشتند هنوز جوابیه ای نداده اند. یکی دیگر از مشکلات ما پیدا نشدن مواد اولیه دارویی در بازار و گران شدن روز بروز آنهاست. که تنها راه چاره نیز این است که جهاد سازندگی از وزارت بازرگانی کارت وارد کردن مواد اولیه بگیرد و یا اینکه خود وزارت بازرگانی مواد اولیه را در اختیار

جهاد سازندگی نگذارد تا اینها را باند دارو وارد نیاز را که در بازار کمبود دارد تا این مشکل بعدی تامین بر وجه امکان برای دارو و کمبود امکانات را می بیند. اما این است که آب شور و یک است و مشکل آب نداشتن باشیم و مشکل دیگر هم مشکل کاری میباشد که بیشتر در اهوان هست پس ایند و ما احتیاج به نیروی انسانی داریم اینجا باید حداقل دانشجو و امتحانی کارکن شیمی داشته باشند. یکی دیگر از مشکلات ما این است که طرحهایی را ما به کمیته داده ایم، آنها امکانات کافی برای ساده کردن طرحها ندارند، برای مثال چون ما دستگاه نظریه سازی نداریم پس این طرحها را تا به یک مدرسه این دستگاه نظریه سازی را هم پس از بار شدن داروهای را که صورت گرفته است که دستگاه نظریه سازی را بشکافد بیرجند بگردد برود این

اینها از مشکلات ما است. در گذشته حدود ۱۵ لیتر در روز بودیم و حالا ۲۵ لیتر میتوانیم تولید کنیم. یا اینکه طرحی را در تولید دستگاه داروسازی داده ایم تا آسان تر و به میزان بیشتر جهاد تولید کنیم در گذشته با مشکلات فراوان در اهوان می گویدیم که وازلین آن سفت می شد و اهوان برگردانده نمیشد. حال با این سیستم جدید روزی ۴۵ کیلو در سه نوبت میتوان پماد تهیه نمود.

اگر برای محرومین ...

همین باب سلام و صدق و صراحت و خلوص و اخلاص حرکت کنید و پیوند با همان رهبری فقیه و اجد شرایط را حفظ کنید و حد را هم رعایت کنید. دیرو و زودی بعضی کارها ناراحتان نکند که این دیروز و زود دارد، سوخت و سوز ندارد و انشاء... سوخت و سوز ندارد به همه اش می رسیم من به شما میگویم که تازه ام تحمل نخواهم کرد نظامی را که در آن انسانهای بسیار کم در آمد در کنار انسانهای پردرآمد زندگی کنند من این را تحمل نخواهم کرد و تا آنجا که در توان دارم برای آزرین بردن این خواهم کوشید و اسلام هم این را نمی پسندد و هیچ تردیدی هم نیست ولی انشاء... از راهش و از مجرایش، نه اینکه بخاطر بعضی چیزها انقلاب ما بخطر بیفتد. این را هم به شما بگویم که من خوب می دانم که اگر برای محرومین کار نکنید انقلاب اصلش به خطر

می افتد و به همین دلیل از راههای دیگر داریم برای محرومین کار می کنیم. شورای اقتصادی باز تشکیل شد، و اصرار کرده اند که بنده هم در آن شرکت کنم که اگر به من اعتراض نکنند که قوه قضائیه به این کارها چه کار دارد و هر چه می گوئیم بابا ما صبح تا ظهر باید توی قوه قضائیه باشیم اصلش یک مسلمانیم مثل مسلمانهای دیگر که هر کاری از ما ساخته باشد انجام میدهم ولی مثل اینکه این هم یک بهانه و چماق جدید شده است. اولها هم ما به امام گفتیم که بگذارید ما نباشیم و آزاد و یک طلبه باشیم حالا هم یک طلبه هستیم ولی یک طلبه آزاد باشیم که کارهای خودمان را بکنیم ولی ایشان اصرار فرمودند که حتما باید قبول کنید. به هرحال بعنوان یک طلبه برادر شما در این راه همچنان کوشا خواهم بود و آینده را هم روشن